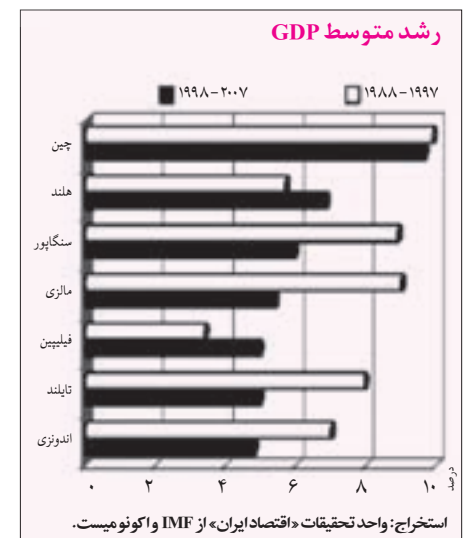


تورم، کلمه‌ای که دنیا باید به آن عادت کند

تورم، قیمت غذا و نرخ بهره

تجمع سرمایه‌گذاران بزرگ جهان در لندن و نیویورک، نام شرکت‌های معروف و قابل اطمینان کشورهای جنوب شرقی آسیا را پیرسید. مطمئن باشید جوامی که می‌شنوید، جز خطوط هوایی سنگاپور، آن هم بابت میلی و ابهام، نخواهد بود. جو استادل، مقاله‌نویس و محقق اقتصادی، در کتابی با عنوان "Asian Godfathers" یا پدر خوانده‌های آسیایی، به تحلیل و بررسی شکست‌های اقتصادی کشورهای جنوب شرقی آسیا می‌پردازد. وی، سنت‌گرایی، عدم وجود نوآوری و حرکت درجا و عدم وجود همکاری و تبادل اطلاعات فنی و مهندسی به طور جدی و مداوم را، مهمترین دلایل ضعف و نابودی صنعت جنوب شرقی آسیا برمی‌شمارد. چنین مشکلات بزرگی که به دست خود شرکت‌های تولیدی و خدماتی منطقه به وجود آمد، شرکت‌های بزرگ غربی را از ادامه فعالیت و سرمایه‌گذاری در منطقه منصرف کرد. جو استادل، غیر بومی و وارداتی بودن فن‌آوری و تکنولوژی ساخت و تولید شرکت‌های این منطقه را یکی دیگر از مشکلات بزرگ کشورهای جنوب شرقی آسیا می‌داند.

بسیاری از کشورهای جنوب شرقی آسیا در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی، با خرید فن‌آوری و تکنولوژی از کشورهای غربی، ساخت و تولید لوازم و قطعات الکترونیکی را آغاز کردند. آنها هرگز به تولید علم و گسترش علوم فنی نمی‌اندیشیدند و تنها محصولات غربی را به کمک دانش فنی خریداری شده، کپی می‌کردند. هنگامی که فعالیت و سرمایه‌گذاری غربی‌ها در منطقه کم شد، جریان ورود فن‌آوری و تکنولوژی ساخت و تولید هم به کشورهای جنوب شرقی آسیا متوقف گردید و به این ترتیب، شرکت‌های الکترونیکی که قلب تپنده صنعت و اقتصاد منطقه بودند، توانایی خود را برای ساخت و معرفی محصولات جدید به بازارهای جهانی از دست دادند و بسیاری از آنها برای همیشه تعطیل شدند. آنهایی هم که پا بر جا ماندند، هرگز نتوانستند با محصولات ژاپنی، کره‌ای، چینی و هندی مقابله کنند و محصولاتشان تنها به مرزهای کشورهای متبوعشان محدود گردید. ■



نرخ تورم، خصوصاً قیمت غذا، به یکی از مهمترین دغدغه‌های دولتمردان و مردم کشورهای مختلف تبدیل شده است و هر یک می‌کوشند تا به نحوی از فشار آن بکاهند.

تورم بسیار خطرناک شده است و عقب ماندگی سود و بهره‌های بانکی از نرخ تورم موجود، ممکن است به مشکلات اقتصاد و بانکداری در اروپا بینجامد. در روسیه، بانک مرکزی این کشور به دنبال افزایش سود و بهره‌های بانکی است. با این عمل، روند جذب سرمایه و سرمایه‌گذاران

همچنان حفظ می‌شود تا بانک‌های روسی در ازای پرداخت تسهیلات و وام‌های میان مدت و بلندمدت، گرفتار زیان‌های شدید و ویران‌کننده نشوند.

در چین، دیگر تورم تنها جنبه اقتصادی و اعتباری ندارد و به مسأله مرگ و زندگی تبدیل شده است. مواد غذایی در این کشور بسیار گران شده و برخی از چینی‌ها در تأمین نیازهای اولیه خود با مشکل روبه‌رو



از ابتدای سال ۲۰۰۷ نرخ تورم به طور بی‌سابقه‌ای در سراسر جهان رشد کرده و این رشد با شتاب‌نگران‌کننده‌ای ادامه دارد. در بسیاری از کشورهای جهان، نرخ تورم با اعداد و ارقام پیش‌بینی شده برای یک دهه بعد، برابری می‌کند. بانک‌های مرکزی بزرگ و معتبر جهان، در رویارویی با معمای پیچیده تورم شدید سال گذشته و سال جاری، ناتوان و مقهور مانده و بین انتخاب گزینه‌های کاهش سود و بهره‌های بانکی به منظور تقویت و تجدید نیروی اقتصاد جهانی یا افزایش پا به پای سود و بهره‌های بانکی با نرخ تورم جهانی (به عنوان امری ضروری برای

عقب‌نماندن از نرخ تورم و کنترل گردش مالی میان بانک‌ها و اقتصاد و صنعت روز جهان) در مانده شده‌اند. برخی از تلاش‌های دولت‌ها و بانک‌های بزرگ جهان برای مقابله با تورم شدید و بی‌سابقه سال گذشته و سال جاری، قابل توجه هستند.

در ایالات متحده، جایی که قدرت خرید مسکن و سایر ملزومات زندگی به شدت تحلیل رفته، نرخ بهره وام‌های خرید مسکن کاهش یافته و بخشی از مالیات‌های دریافتی از شهروندان به آنها بازگردانده شده است. در حقیقت، قدرت خرید شهروندان آمریکایی، پشتوانه اصلی اقتصاد ایالات متحده است و تنها راه خروج اقتصاد این کشور از بحران را باید در تقویت و افزایش قدرت خرید شهروندان آمریکایی جست‌وجو کرد. در ایالات متحده، حدود ۷۱ درصد محصول ناخالص داخلی از محل فروش کالا و ارایه خدمات به شهروندان تأمین می‌شود. هرچه قدرت خرید مردم در ایالات متحده بیشتر شود، موانع پیش روی اقتصاد این کشور برای خروج از بحران کمتر خواهند شد.

بانک مرکزی اروپا با سرسختی و سماجت در تلاش است تا از کاهش سود و بهره‌های بانکی در این قاره جلوگیری کند، چراکه اعتقاد دارد، نرخ

هستند. چین، در حال حاضر برنامه کنترل قیمت محصولات غذایی را به اجرا گذاشته و هر روز، تعداد اقلامی که در فهرست محصولات غذایی کنترل شده قرار می‌گیرند، بیشتر می‌شود. کشورهای حوزه خلیج فارس و به خصوص کشورهای عربی این منطقه، در حال بررسی راهکارهای ممکن برای تصحیح نظام بانکی خود هستند تا بتوانند با بحران جهانی تورم مقابله کنند. مهمترین رویکرد این کشورها در حل بحران تورم و اقتصاد جهانی، کاهش بهره و دستمزد شرکت‌های نفتی فعال در منطقه است، چراکه آنها معتقدند، بهره‌ها و دستمزدهای بالای شرکت‌های نفتی خارجی، بخش عمده درآمدهای نفتی آنها را به خود اختصاص می‌دهد و سود کمی برای کشورهای عربی باقی می‌ماند. همچنین، مراکش، به عنوان یکی از قدرت‌های اقتصادی بزرگ آفریقا، بخش عمده مالیات‌های مردمی را لغو کرده و به دنبال لغو کامل مالیات بخش‌های تولیدی است.

بسیاری از کارشناسان اقتصادی، تورم شدید دو سال اخیر را به طور غیرمستقیم با کاهش ارزش دلار در برابر سایر ارزهای متداول جهان در ارتباط می‌دانند. برخی، پارافراتر از این هم نهاده و کاهش ارزش دلار را عامل اصلی افزایش شدید قیمت جهانی محصولات



پایان داده است. بی شک، در نهایت، این کشاورزان هستند که با کشت بیشتر و دستیابی به حد تعادلی جدید، به قیمت های افزایش یافته، پاسخ مثبت خواهند داد. با این کار، مواد غذایی بدون یارانه و فروش زیر قیمت، دوباره در دسترس خواهد بود. اما در شرایط فعلی، وضعیت کشاورزی، در ابهام است. در واقع، تغییرات، گران تر، طولانی تر و سخت تر از حد تصور است.

فقیر و آسیب پذیر

در حداقل برآورد، افزایش قیمت غذا ممکن است موجب کاهش توان پرداختی قشر شهری کم درآمد و مردمی گردد که مایحتاج خوراکی خود را با ۲۰ درصد افزایش قیمت، خریداری می کنند.

به گزارش رییس بانک جهانی، تورم غذا و از بین بردن اندوخته میلیاردها نفر از نیازمندان در مدت تقریباً یک دهه رشد اقتصادی، می تواند حداقل صد میلیون نفر را به فقر مبتلا سازد. کشاورزی تنها بخشی از زنجیره غذایی است که از یک طرف، شرکت های عرضه کننده کود و دانه و از طرف دیگر، فروشگاه های مواد غذایی را در بر می گیرد.

در گذشته، سیاست مواد غذایی به معنای تقویت ارتباط بین کشاورزان و فروشندگان بود، اما طی سال های اخیر، بر اهمیت فروشگاه های مواد غذایی در این زنجیره افزوده شده است.

گرانی کود و افزایش اهمیت فروشگاه های مواد غذایی برای کشاورزان نیز که بیش از نیمی از فروش مواد غذایی را در بسیاری از کشورهای در حال توسعه پوشش می دهند، از جمله تغییراتی است که طی این سال ها روی داده است. ■

درصد نیشکر تولیدی صرف تهیه سوخت های گیاهی می شود. همچنین در ایالات متحد و اروپا، به ترتیب، ۲۰ درصد ذرت و ۵۰ درصد غلات تولیدی، به عنوان مواد اولیه مورد استفاده کارخانه های تولید سوخت های گیاهی قرار می گیرند. چنین مصرف قابل توجهی که در صنایع تولید سوخت صورت می پذیرد، موجب کاهش شدید عرضه در برابر تقاضای بازار جهانی محصولات غذایی شده و این افزایش تقاضا در برابر عرضه، خود عاملی طبیعی برای افزایش روز افزون قیمت محصولات کشاورزی در بازارهای جهانی به شمار می رود.

بنابراین، کشورهای جهان در حال حاضر تنها یک وظیفه دارند و آن، تلاش برای نجات یافتن از بحران شدید تورم است. افزایش شدید قیمت ها و تورم لجام گسیخته، رشد اقتصاد جهانی سال گذشته را به شدت تهدید می کند. گرچه برخی از کشورهای تولیدکننده نفت و گاز، تا حدودی موفق به کنترل تورم شدید جهانی شده و قیمت اقلام ضروری را ثابت نگه داشته اند، اما مهمترین کشورهای تولیدکننده نفت و گاز، یعنی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و روسیه، همچنان با تورم بیش از ۱۰ درصد روبه روهستند. ■

غذایی و مواد اولیه همچون نفت خام اعلام کرده اند.

قیمت غذا و روابط بین الملل

سازمان جهانی غذا و کشاورزی (FAO) در نوامبر سال گذشته اعلام داشت، نرخ تورم جهانی محصولات غذایی در سال ۲۰۰۷ برابر با ۳۷ درصد بوده است و این روند در سال ۲۰۰۸ شدیدتر خواهد شد؛ این در حالی است که نرخ تورم جهانی محصولات غذایی در سال ۲۰۰۶ تنها ۹ درصد بوده است. FAO در چشم انداز ۲۰۰۸ خود می گوید که تاکنون چنین بحرانی به لحاظ شدت و گستردگی در قیمت و نرخ تورم محصولات غذایی و کشاورزی روی نداده است و اگر اوضاع فعلی بهبود نیابد، ممکن است کشورهای صادرکننده و واردکننده، بر سر قیمت محصولات کشاورزی به تفاهم نرسیده و شاید این موضوع، به چالش های سیاسی بین کشورهای صادرکننده و واردکننده، تبدیل گردد. استفاده از محصولات کشاورزی جهت تهیه سوخت های گیاهی، یکی دیگر از عوامل مهم افزایش شدید قیمت ها و تورم بی سابقه در محصولات کشاورزی است. برای مثال، در برزیل حدود ۵۰

کمبود غذا در جهان

سفره های گران

دوران غذای ارزان قیمت به پایان رسیده و ریسک سیاسی غذا آغاز شده است.

به گفته یواخین براون، رییس مؤسسه بین المللی تحقیقات سیاست مواد غذایی (IFPRI) در واشنگتن، کشاورزی جهان، پا به دوران جدیدی گذاشته است، دورانی ناپایدار و از لحاظ سیاسی خطر آفرین. برای اثبات این امر، آشوب ناشی از مسأله غذا، تمامی کشورهای ناحیه استوارا در بر گرفته است.

در هاییتی، معترضان با سردادن شعار "ما گرسنه هستیم"، نخست وزیر را وادار به استعفا کردند. در کامرون ۲۴ تن در این نوع شورش ها جان خود را از دست دادند. رییس جمهور مصر جهت پخت بهیمنه نان، دستور بسیج عمومی داده است و مردم فیلمیپین، احتکارکنندگان برنج را مستحق حبس به شمار می آورند. سال گذشته، قیمت گندم و برنج، به ترتیب ۷۷ و ۱۶ درصد افزایش یافت که این دو محصول، تاکنون بیشترین افزایش قیمت را در بین مواد غذایی تجربه کرده اند. گفتنی است، قیمت ها در سال جاری به سرعت رشد کرده و افزایش یافته اند.

اساساً، قیمت مواد غذایی نمایانگر تغییرات در میزان تقاضا و نه مشکلات ذخایر یا اُفت تولید است. امروزه، هندی ها و چینی ها بیشتر از گذشته غلات و گوشت می خورند. از این بدتر، عواملی

همچون سهمیه بندی صادراتی توسط تولیدکنندگان بزرگ غلات، شایعات مبنی بر خریدهای اضطراری واردکنندگان غلات و حتی سرمایه گذاری توسط مؤسسات پوشش ریسک بر شرایط فعلی تأثیر گذاشته است. چنین تغییراتی، با تغییرات قابل مقایسه در مزارع مطابقت نمی کند. این عدم تطابق، به این دلیل است که کشاورزان پس از گذشت زمان به تقاضا پاسخ می دهند.

همچنین دولت ها تأثیر افزایش قیمت ها را بر خانوارها تعدیل کرده و به این ترتیب، انگیزه افزایش تولید بیشتر مواد غذایی را از کشاورزان گرفته اند.

از ۵۸ کشوری که اقداماتشان در این زمینه توسط بانک جهانی پیگیری شده است ۴۸ کشور، افزایش کنترل قیمت مواد غذایی، یارانه مصرف کننده و محدودیت های صادراتی یا کاهش تعرفه های گمرکی را مصوب کرده و اجرا می کنند.

نگرانی ناشی از کمبود مواد غذایی در سال ۲۰۰۸ که با چنین شدتی همراه است، نشان از مشکل بزرگتری دارد. افزایش ناگهانی قیمت غذا به سی سال ارزانی غذا، یارانه کشاورزی در کشورهای ثروتمند و بازارهای بین المللی غذا